

تمدن و فرهنگ اروپایی اقدامات مفیدی کردند.^(۱)

به طوری که قبلاً اشاره شد، مقدمه نهضت ترقی خواهی در ایران و مبارزه با حکومت استبدادی، از زمان حکومت فتحعلیشاه شروع گردید و در این دوره تغییرات زیادی در سیاست بین‌المللی به وجود آمد که اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون ساخت.

دانشجویانی که توسط عباس میرزا به انگلستان فرستاده شده بودند، پس از بازگشت جامعه ایرانی را با افکار آزادیخواهی و اصول حکومت مردم بر مردم آشنا کردند.

مشیرالدوله برای بیداری مردم، روزنامه‌ای به دو زبان فارسی و فرانسه منتشر کرد و چون در این نشریه درباره مساوات و آزادی و عدالت اجتماعی و انتقاد از درباریان مفسد مطالبی نوشته می‌شد به تحریک درباریان متنفذ از ادامه انتشار این روزنامه جلوگیری به عمل آمد.

میرزا حسن خان مشیرالدوله برای آشنا کردن ناصرالدین شاه به طرز حکومت در کشورهای اروپایی، او را در سال ۱۲۹۰ به فرنگستان برد که تأثیر زیادی در طرز تفکر و رفتار او نمود، پس از مراجعت از اروپا، شاه از استبداد و خشونت خود در اداره مملکت کاست و سازمان‌های اداری به سبک دول خارج به وجود آورد و کارها را به دست وزیران مختلف سپرد و به دنباله اقدامات اصلاحی گذشته خود، اداره تلگراف و پست و سازمان پلیس را ایجاد کرد.^(۲)

روزنامه قانون

که توسط میرزا ملکم‌خان در لندن منتشر می‌گردید در بیداری افکار مردم ایران نقش مؤثری داشت. ملکم‌خان معتقد بود که ملل شرق باید در بسیاری از موارد، از اروپائیان تقلید کنند.

دارالفنون نیز نقش مهمی در شناساندن تمدن و فرهنگ اروپایی داشته است، زیرا فارغ‌التحصیل‌های این مؤسسه علمی که به وسیله استادان اطریشی و آلمانی و فرانسوی به طرز حکومت و سازمان‌های اجتماعی اروپا آشنا شده بودند، توانستند در بیداری افکار نقش مؤثری داشته باشند.

ترجمه و تألیف کتابهای مختلف به وسیله فارغ‌التحصیلان دارالفنون نیز باعث گردید که مردم ایران به طرز زندگی مردم اروپا و روابط آنها با حکومت آشنا شوند.

۱ - تاریخ مفصل ایران - عباس اقبال ص ۳۸۰

۲ - ایران در دوره قاجاریه - علی‌اصغر شمیم ص ۱۴۰

تأسیس مدارس خارجی، از جمله مدرسه پسرانه و دخترانه آمریکائی در ارومیه و تهران و مدارس فرانسویان نیز نقش مؤثری در تنویر افکار مردم داشته است.

اولین کسی که در راه اصلاح وضع ایران و مبارزه با بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران قدم برداشت، امیرکبیر بود او پس از مسافرت به روسیه و اقامت سه سال در عثمانی با ترقی و تمدن کشورهای اروپایی آشنا گردید و در مدت کوتاه زمامداری خود، در اصلاح اوضاع ایران کوشش فراوان کرد. او از نفوذ درباریان کاست و دست آنها را از دخالت در اموری که مربوط به آنها نبود کوتاه نمود. امیرکبیر در اصلاح وضع دادگستری و برانداختن رشوه‌خواری و جلوگیری از صدور احکام برخلاف حق و حقیقت جلوگیری کرد و با وجود کارشکنی‌های مخالفانش، کوشش فراوان نمود تا ایرانی نو بسازد و تا حدودی هم موفق گردید.

سید جمال‌الدین اسدآبادی - نیز با مقالات و سخنرانی‌های خود مردم را به اتحاد و جلوگیری از اجرای سیاست‌های استعماری دول اروپایی و مبارزه بر ضد فساد و ظلم مامورین دولت دعوت می‌کرد.

نشر روزنامه‌ها از جمله روزنامه تریا که در قاهره انتشار می‌یافت در روشن کردن افکار مردم و برهم زدن اساس حکومت استبدادی یکی از عوامل مؤثر بوده است. اطلاع مردم ایران از انقلاب مردم فرانسه و موفقیت آنها در سرنگونی حکومت لوئی شانزدهم، نقش مهمی در بیداری افکار آنها داشته است.

مجله‌هایی که در این دوره انتشار می‌یافت، تأثیر عمیقی از لحاظ سیاسی و اجتماعی داشته است، از جمله مجله، ارمغان، کاوه، ایرانشهر، مهر و یادگار

مجله ارمغان

به مدیریت حسن وحید در تهران و مجله کاوه به مدیریت حسن تقی‌زاده در برلین انتشار می‌یافت. مقالات انتقادی و اجتماعی و تاریخی این دو مجله بسیار ارزنده و مفید بوده است.

مجله ایرانشهر به مدیریت حسین کاظم‌زاده در برلین منتشر می‌گردید و مقالاتی اخلاقی اجتماعی و عرفانی و ادبی در آن درج می‌شد که بیشتر به قلم مدیر آن بوده است.

مجله مهر به مدیریت مجید موقر و مجله یادگار به مدیریت عباس اقبال منتشر می‌گردید و مقالات آن درباره مسائل اجتماعی و سیاسی بوده است.

مالکیت و کشاورزی

مالکیت و کشاورزی

زمین داری در دوره قاجاریه

نظام اقتصادی دوره قاجاریه براساس زمین داری بزرگ نهاده شده بود. در این عصر وضع کشاورزان به علت ظلم و زورگویی های گوناگون مالکان و مباشران آنها و ماموران وصول مالیات، رضایت بخش نبود، و در فقر و بدبختی زندگی می کردند و بیشتر محصولی که در نتیجه زحمت آنها به دست می آمد، به عناوین مختلف مانند بهره مالکانه و مالیات و غیره از چنگشان در می آوردند. زمین داری در عصر قاجار به دو مرحله تقسیم می شود:

۱- مرحله نخستین از زمان آقامحمدخان تا انقلاب مشروطیت ادامه دارد، مالکیت اراضی در این دوره شامل زمین داران بزرگ، خالصه و موقوفه است.

الف- مالکان بزرگ: در این دوره عمده مالکان دهات متعدد داشتند و می توانستند با آباد کردن زمین های موات نیز صاحب آن اراضی بشوند و اگر از مقربان دربار بودند، گاه به عللی شاه دهاتی را به آنها می بخشید و بر وسعت املاک آنها افزوده می گردید.

ب- خالصه: املاک خالصه در دوره قاجاریه، زمین هایی بود که به عناوین مختلف، ضبط و خرید، در اختیار دولت و در مناطق مختلف کشور به صورت پراکنده قرار داشت و مقدار و وسعت آنها در نواحی مختلف فرق می کرد. در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بر تعداد املاک خالصه اضافه گردید ولی در اواخر سلطنت او به علت احتیاج به پول، بیشتر آنها فروخته شد و در اثر ظلم و تعدی مالکان جدید، بیشتر رعایا متفرق گردیدند.

انواع املاک خالصه

ضبطی: در عصر قاجاریه اراضی که صاحبانش شورش کرده بودند یا مالیات عقب افتاده داشتند، به وسیله دولت ضبط و به این ترتیب وسعت املاک خالصه اضافه می شد، همچنین املاکی که به وسیله حکومت خریداری می گردید جزء املاک خالصه در می آمد.

بذری: در زمان سلطنت محمدشاه به علت قحطی که به وجود آمد، زارعان دهات را رها کردند و مباشران دیوان، برای آباد کردن مجدد روستاها، به مدت چندین سال به رعایای این دهات بذر دادند و چون آنها در موقع معین، بدهی خود را به دولت نپرداختند، املاکشان جزء خالصه درآمد.

انتقالی: در اثر ضبط اراضی و املاک، روز به روز بر تعداد املاک خالصه اضافه می‌شد. ولی چون رسیدگی به تمام آنها کار مشکلی بود، به تدریج املاک مزبور رو به خرابی گذاشت و به همین علت قسمتی از آنها را در قبال بهره معین به اشخاص واگذار کردند و این نوع املاک که از طرف دولت به اشخاص واگذار می‌گردید، املاک انتقالی نامیده‌اند.

ثبتي: تعدادی از املاک خالصه هیچوقت در تصرف دولت قرار نگرفت و فقط به استناد ثبت در دفاتر دولت، با این که در تصرف اشخاص بود جزء املاک دولت می‌شناختند.

تیولی: صاحبان این قبیل املاک وظیفه داشتند که عده‌ای سرباز برای دولت آماده سازند. این نوع املاک خالصه بیشتر در مناطق عشایری قرار داشت.

املاک موقوفه: صورت دیگر زمین‌داری بزرگ، عبارت از اراضی و دهاتی بود که وقف شده بود. اداره این املاک با مالکیت اربابی، چندان فرقی نداشت.

مرحله دوم بعد از انقلاب مشروطیت

باید دانست که اکثر جنبشهای گوناگون ملت‌ها در اعصار مختلف تاریخ، در اثر عدم مساوات و وجود تبعیضات گوناگون بوده است. نمونه کامل آن، نهضت استقلال طلبی آمریکا و انقلاب کبیر فرانسه در قرن هیجدهم است، که اثرات آن طرز حکومت‌ها را به طور ظاهر تغییر داد در ایران مردم که از ظلم و ستم هیئت حاکمه و مالکان و ماموران وصول مالیات و خرابی دستگاه قضایی و نبودن عدالت به ستوه آمده بودند، ابتدا تقاضای تأسیس دستگاهی بنام «عدالتخانه» و بعد خواستار حکومت مشروطه گردیدند و با پشت کار و فداکاری ظاهراً به مقصود خود رسیدند که درباره آن در صفحات بعد توضیح داده می‌شود.

در این مرحله یعنی بعد از انقلاب مشروطیت، روش تیولداری از بین رفت و جای تیولداران را مالکین بزرگ گرفتند. املاک اربابی در این دوره توسعه یافت و تیولداران از بین رفتند. ولی خوانین ایلات، فرماندهان قشون، و اربابان همچنان املاک خود را حفظ کردند. در مواردی، مالکین جدید از میان گروه شهرنشین، وارد طبقه زمین‌دار شدند، دولت نیز زمین‌داری خالصه را همچنان در دست داشت و در بعضی موارد زمینها را بخاطر این که آباد گردد، فروخت.^(۱)

املاک موقوفه نیز همچنان به شکل عمده مالکی اداره می‌شد و موقوفه خصوصیات خود را

بعد از این تحولات نیز حفظ کرد.

در این دوره کشاورزان نیز مورد توجه دولت نبودند. عدم امنیت و سوء رفتار مالکین نیز زندگی این طبقه را تباہ کرده بود، زیرا توسعه زراعت با امنیت کشور و آسایش کشاورزان بستگی کامل دارد و تا طبقه زارع از هر جهت آسوده و در امان نباشد، نمی تواند فعالیت کند و به کشت و زرع بپردازد. پس از صفویه به علت جنگ‌های داخلی و وجود ناراحتی، وضع زراعت در حال انحطاط بود زیرا عدم توجه دولت به سرکوبی ایلات و عشایر و راهزنان، باعث خرابی دهات آباد و غارت مردم کشاورز گردید. دهات به وسیله متجاوزان مورد تجاوز قرار می‌گرفت. گاهی عده‌ای از افراد ایل به فرمان رئیس خود یا خودسرانه به دهات حمله‌ور می‌شدند و به نام رئیس خود تقاضای آذوقه و پول می‌گردند. مالکین و رعایا چاره‌ای جز اطاعت نداشتند، زیرا همه اموال آنها به غارت می‌رفت و جانشان نیز در معرض خطر بود.

بنابراین می‌بینیم در نتیجه عوامل فوق و عدم توجه دولت در این دوره و عدم امنیت، دهات آباد نیز ویران گردید و میزان محصول تنزل فاحش پیدا کرد و مردم نواحی مختلف گرفتار قحطی و گرسنگی گردیدند^(۱)

در زمان قاجاریه، وضع واگذاری املاک، به شکل تیولداری بود. در بعضی از موارد هم املاک خالصه را به جای حقوق به اشخاص واگذار می‌کردند. در نواحی ایل نشین، تیولدار موظف بود افراد جنگی آماده داشته باشد و در صورت لزوم به مرکز اعزام دارد، وقتی که دولت ضعیف بود تیولداران عملاً املاک را به مالکیت شخصی در می‌آوردند. تیول به این ترتیب رفته رفته تبدیل به ملک شخصی می‌گردید و مالیات‌هایی که به نمایندگی از طرف دولت جمع‌آوری می‌گردید به مرکز فرستاده نمی‌شد و علاوه بر آنچه که رعایا به ارباب می‌پرداختند این درآمد نیز به عایدات آنها اضافه می‌شد. این طرز عمل نه فقط موجب درآمدی برای تیولدار بود، بلکه اجازه می‌داد که عده‌ای سرباز و سوار مسلح داشته باشد و به این ترتیب قدرت او هم زیادتر می‌گشت.

محمد شاه هرکس را به حکومت می‌فرستاد، دستور می‌داد با تهیه منابع آب، کشاورزی را توسعه دهد و دهات و ویران را آباد سازد.

از جمله عباسقلی خان والی کرمان، قلعه بم را که خراب و بی‌آب بود تعمیر کرد و چاههای زیادی برای تامین آب حفر نمود.

حاج میرزا آقاسی صدراعظم، هرجا ملک بایر بود، خریداری و قنات آن را تعمیر می‌کرد و هرجا زمینی بایر می‌دید که اطراف آن رودخانه‌ای بود، دستور می‌داد نهرکشی نمایند و آن زمین را آباد کنند. یکی از کارهای مهم فلاحتی حاج میرزا آقاسی، کشیدن نهری از رودخانه کرج به یافت آباد است، که بعدها مورد استفاده بسیاری از روستاهای اطراف واقع گردید. از رودخانه جاجرود هم نهری برای امین آباد (نزدیک شهری) احداث شد، که در دامنه کوههای شمالی به نام پازوکی ورامین، آثار آن باقی است.

در اوایل حکومت ناصرالدین شاه صدارت با میرزاتقی خان امیرکبیر بود، که یکی از برجسته‌ترین مردان تاریخ ایران به شمار می‌رود. این شخص در آبادی کشور و سروسامان دادن به کار دهقانان و تهیه آب و سدبندی و احداث قنات، خدمات بزرگی کرده است.

در زمانی که وی مصدر امور ایران بود، قدم‌های بزرگی در توسعه امور کشاورزی هم برداشته شد که در آبادی کشور تأثیر به‌سزایی داشت و موجب رونق کشاورزی گردید.^(۱) با ایجاد سد ناصری، آب رودخانه کرخه به مجرای اول خود افتاد و صفحات «هویزه» رو به آبادی رفت و فلاح و تجارت آن ناحیه رونق گرفت.

اقدامات امیرکبیر در زمینه کشاورزی بدین قرار است: پل شوشتر که مدتی خراب شده بود مرمت گردید. در سال ۱۲۴۷ شروع به بنای سد بزرگی بر روی رود گرگان به سرپرستی میرزا حسین مهندس آغاز شد و در همان سال به اتمام رسید و محصول زمین‌های حاصل خیز آنجا رو به افزایش گذاشت. در همین سال قنات «نه‌گند» و «حسین‌آباد» در یزد را پاک کردند. و در سال ۱۲۴۷ روی رود قره چای و انارود (در قم) سدی استوار شد و پل معروف دلاک را احداث نمودند.^(۲)

میرزا تقی خان امیرکبیر در ترویج و کشت نباتات تازه کشاورزی فعالیت بسیار کرد، از جمله زراعت پنبه آمریکائی را در ایران معمول گردانید. وی علاوه بر این، در کشت سایر امور مربوط به دانه‌های تازه، کشاورزی کوشا بوده و در پرورش نیشکر در مازندران تلاش فراوانی کرده است.^(۳) در زمان وی مالیات‌های زیادی از کشاورزان گرفته نمی‌شد، زیرا میزان مالیات‌ها قبلاً معین بود و دهقانان از تجاوز تحصیل‌داران در امان بودند.

۱- امیرکبیر و ایران - فریدون آدمیت ۲۵۸

۲- امیرکبیر و ایران - فریدون آدمیت ص ۳۲۱

۳- تاریخ اجتماعی ایران، راوندی ص ۱۰۰

در این زمان دهقانان جرأت هجرت از روستایی به روستای دیگر را نداشته‌اند و اگر امکان نقل و انتقال هم وجود داشت، ارباب و مالکین متعرض می‌شدند و به زور آنها را بر می‌گرداندند. ناصرالدین شاه دهقانان را از قید و بند آزاد کرد و مقرر داشت که زارعین در ملک هر مالکی که میل دارند می‌توانند کار کنند و از ایالتی به ایالت دیگر بروند. در زمان ناصرالدین شاه دکتر طرنس آمریکائی قرار شد موتور آبکشی را وارد ایران نماید. «بندگان اعلیحضرت صاحبقرانی در جلب این فیض بی‌پایان به ممالک محروسه ایران مقرر فرموده‌اند تا اسباب کارخانه این صنعت کبری را از ینگی دنیا صادر سازد و به ایران وارد نمایند.» در زمان مظفرالدین شاه مهمترین کار کشاورزی که انجام یافته، تأسیس اولین مدرسه کشاورزی است، بنام مدرسه فلاح مظفری که اولین کار کشاورزی نوین در ایران از روز تأسیس این مدرسه آغاز شده است. مدرسه فلاح مظفری بر اثر مساعی میرزا نصرالله خان مشیرالدوله در سال ۱۳۱۹ هجری قمری در تهران تأسیس یافت.

مظفرالدین شاه به باغ و باغبانی علاقه داشت و نهال‌های میوه از فرنگستان به دستور او به ایران آوردند و در باغ سلطنتی او شان تپه کاشته شد. در زمان محمدعلیشاه قاجار در امر کشاورزی کشور نه تنها کاری صورت نگرفت، بلکه در اثر عدم تمایل به این گونه کارها، مدرسه فلاح مظفری هم تعطیل گردید.^(۱)

محصولات کشاورزی

- ۱- گندم و جو: یکی از محصولات ایران است و در تمام قلمرو ایران کاشته می‌شود. و انواع مختلف آن از کشورهای دیگر آورده و به وسیله کشاورزان کاشته شده است.
- ۲- توتون: بعضی نوشته‌اند که این گیاه اصلش از آمریکا است، ولی پزشک فرانسوی به نام «موره» عقیده دارد که کشت توتون در ایران معمول بوده است و پیش از کشف آمریکا این گیاه را از ایران به اروپا برده‌اند.^(۲)
- ۳- خشخاش: از دوره قاجاریه کشت آن شروع شد و در عهد ناصرالدین شاه گسترش یافت و کشتیدن تریاک نیز به دنبال آن معمول گردید. دکتر نلیکان پزشک سفارت انگلیس در تهران عقیده دارد

۱- تاریخ اجتماعی و اداری، راوندی جلد دوم ص ۶۵۱

۲- توتون و تنباکوی ایران - مجله فلاح سال اول شماره ۱۴ و ۱۵

که تریاک ایران برای اولین بار در سال ۱۸۷۰ به لندن فرستاده شده است، پس از آن این محصول وارد بازار تجارت گردید و در این زمینه، بازرگانی ایران و انگلیس رونق گرفت.

در تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم نوشته که علت اشاعه کشیدن تریاک در ایران این بوده است، که عده‌ای از مرتاضان هندی به خراسان آمدند و با کارهای عجیب خود توانستند در دستگاه بزرگان و متنفذین ایران رخنه کنند و مقام و منزلتی کسب نمایند، آنها در سفر و حضر همراهشان بودند و کشیدن تریاک را رافع هر خستگی، و بهترین نوع تفریح و تفنن جلوه دادند و کم‌کم در میان مردم دیگر هم رواج پیدا کرد^(۱)

۴- سیب زمینی: این محصول در زمان سلطنت فتحعلیشاه به وسیله سرجان ملکم انگلیسی به ایران وارد شده است.

۵- برنج: کشت این محصول از زمان‌های بسیار قدیم در ایران معمول و مرسوم بود ولی عده‌ای نوشته‌اند که برنج از محصولات ایران نبوده است، بلکه آن را از هندوستان به ایران آورده‌اند. برنج انواع بسیار دارد و محتاج به آب فراوان است و این محصول بیشتر در گیلان و مازندران و اصفهان و خوزستان کشت می‌شود.

۶- نیشکر: کشت این محصول از زمان‌های قدیم در ایران معمول بوده و مرکز آن خوزستان است.

۷- پنبه: این محصول یکی از گیاهان بومی ایران است، لیکن پنبه آمریکایی در زمان صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر به ایران آورده شده و در نقاط مختلف ایران کشت آن رواج یافته است و علیقلی میرزا در خانی‌آباد و حاجی جعفرخان معمار در امیرآباد و حاجی محمودخان در خیرآباد و رامین به کشت آن مبادرت کرده‌اند.

۸- چای: کشت این محصول برای اولین بار در زمان قاجاریه به وسیله صنیع‌الدوله در روستای سمتکند مازندران صورت گرفت، ولی وی در اثر موانع محلی از کشت آن صرف‌نظر کرد. بعد از آن به وسیله سپهسالار و امیر انتصار در توسعه کشت آن کوشش به عمل آمد. در سال ۱۳۰۲ ه. ق به وسیله حاج محمد حسن اصفهانی در ایران کاشته شد. در سال ۱۳۱۹ ه. ق کاشف السلطنه چهار هزار نهال و چند صندوق بذر چای از هندوستان به ایران آورد و در لاهیجان به کشت آن پرداخت و در حقیقت می‌توان گفت اقدام اساسی کشت چای در ایران، به وسیله کاشف السلطنه به عمل آمده است.

۹- چغندر قند: کشت این محصول در سال ۱۳۰۴ قمری در کهریزک شروع شده است و در این

سال یک شرکت بلژیکی امتیاز تأسیس کارخانه قند کهریزک را گرفت، ولی این کارخانه در اثر رقابت سیاسی ناچار به تعطیل شد و در سال ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ دوباره به کار افتاد.

۱۰- **آناناس:** در زمان ناصرالدین شاه در گرمخانه‌های تهران عمل آمده است.

۱۱- **کرم ابریشم:** پرورش کرم ابریشم از قدیم‌الایام در ایران رواج داشته است. پارچه‌های ابریشمی ایران که در عهد صفویه معروف خاص و عام بوده، ابریشم آن را بیشتر از گیلان، مازندران، خراسان، قزوین تهیه می‌کردند و ابریشم یکی از صادرات مهم ایران بوده است و برای خرید آن، کشورهای اروپایی با یکدیگر رقابت می‌نمودند.

۱۲- **پنباز زعفران:** در تمام قلمرو قائنات کاشته می‌شود و در فارس و کرمان هم کشت آن معمول است. کاشتن زعفران زحمت زیادی ندارد، ولی جمع‌آوری محصول بسیار پر زحمت است.

۱۳- **بوته حنا:** در کرمان و بم کاشته می‌شود.

۱۴- **روناس:** در کرمان و اصفهان، در نقاطی که آب یا خاک شور باشد، می‌کارند.

۱۵- **کنف:** بیشتر در استان گیلان کاشته می‌شود.

تجارت

تجارت

همین که محصول کشاورزی، چه صنعتی و چه غذایی و چه صنایع ظریف و حتی آثار هنری از حد نیاز جامعه زیادتر شد، خود به خود مسئله تجارت یا داد و ستد و یا معاملات اعم از پولی یا جنسی پیش می‌آید و مسلم است، آن کشوری که محصول مرغوبتر و در شرایطی بهتر و مطلوبتر در اختیار دارد، در بازار رقابت، از رقبای خود پیشی می‌گیرد و در نتیجه درآمد سرانه آن جامعه افزون می‌گردد، به شرطی که سلاطین و حکام فقط به فکر پر کردن خزانه خود نباشند و توجهی به حال ملت نیز بنمایند.

پس از این که آقامحمدخان به سلطنت رسید و وحدت ملی ایران را پایه‌گذاری کرد، تهران را با جمعیت یکصد هزار نفر، پایتخت خود قرار داد و به فکر درآمدی برای اداره کشور خویش افتاد. آقا محمدخان با ایجاد امنیت نسبی توانست به زراعت و کسب و صنعت و تجارت رونق بخشد و صنایع دستی و هنرهای ظریف را توسعه دهد و در نتیجه محصولات کشور ما دوباره توانست وارد بازارهای جهان شود و نقشی در توسعه و رونق تجارت خارجی داشته باشد.

از بنادر ایران مثل بندر شاه (امام خمینی(ره)) و نوشهر و انزلی و آستارا و در جنوب محمره یا خرمشهر، بندر شاهپور و بندر عباس و جاسک و چابهار. محصولات و تولیدات کشاورزی یا صنعتی و یا مواد خام صادر می‌شد و از همان بنادر محصولات یا تولیدات خارجی وارد ایران می‌گردید. در این دوره قالی، پارچه‌های زردوزی شده، برک، اشیاء منبت و خاتم کاری شده، ظروف از طلا و نقره و برنج و مس که تزئین گردیده، پوست، پنبه، صمغ به خارج از کشور صادر می‌شده است. خشکیار از جمله پسته، بادام، برگ هلو، زردآلو، خرما و گیاهان دارویی مثل کتیرا، آنقوزه به بازارهای جهان فرستاده می‌شد.

مراکز تجارت عبارت بود از: تهران، تبریز، مشهد، کرمانشاه، قزوین، همدان، رشت، اصفهان، یزد، کرمان، شیراز.

راههای زمینی مشهور عبارت بود از راه تهران، قزوین، همدان، کرمانشاه، سرپل ذهاب، قصرشیرین و خسروی.

تهران، سمنان، دامغان، شاهرود، سبزوار، نیشابور، مشهد، تربت جام، سرخس.

تهران، قم، دلیجان، مورچه خورت، فریدن، اصفهان، قمشه، آباد، شیراز، کازرون، برازجان و بوشهر.

تهران، قم، اصفهان، یزد، کرمان، بم، زاهدان، میرجاوه.

اما آنچه که حائز اهمیت و در اقتصاد به ویژه در تجارت مورد مطالعه و توجه است، مسئله وسائط نقلیه و راهها و ارتباطات است که امروزه شامل، هواپیما، کشتی، راه آهن، کامیون و تریلی است ولی در آن روزها از زورق‌های کوچک و گاه کشتی‌های بادی کوچک بخار و اسب و قاطر و شتر و الاغ استفاده می‌کردند.

در حین مسافرت، کاروانسراهای عهد قاجار و یا کاروانسراهای عهد صفوی، بنام سرای شاه عباسی مورد استفاده بوده است. چاپارها و کاروان‌های تجارتي در این امکنه منزل می‌کردند و در جوار کاروانسراها، سراها یا تیمچه‌ها، انبارهای خوب و مناسب وجود داشت، که می‌توانست مال‌التجاره‌ها را از دست برد سارقین حفظ نماید.

بعد از عهد نامه ترکمن‌چای، روسیه سیاست خود را نسبت به ایران عوض کرد و تصمیم گرفت که با سیاست آرام و ملایمی دامنه نفوذ خود را در ایران توسعه دهد و وضع سیاسی و اقتصادی خود را در ایران محکم کند. دولت روسیه برای اجرای این سیاست به تأسیسات تجارتي دست زد، تا بتواند مواد و محصولات خام کشور ایران را که مورد احتیاج کارخانه‌های روسیه بود، به دست آورد

و تجارت ایران را منحصر به خود سازد و ضمناً امتعه خود را در بازارهای ایران به فروش برساند. روابط تجارتهای ایران و روسیه از این تاریخ بسیار توسعه پیدا کرد و کم‌کم دست سایر کشورهای اروپا از بازارهای ایران کوتاه گردید و فقط دولت روسیه بود که مواد خام مورد احتیاج کارخانه‌های خود را از ایران صادر می‌کرد و به عوض، محصولات کارخانه‌های خود را در بازارهای ایران به فروش می‌رساند. دولت روسیه امتعه زیر را از ایران صادر می‌کرد:

۱- پنبه: ایران از دیر زمان تهیه‌کننده پنبه بوده و همیشه قسمت اعظم از این محصول را به خارج از کشور می‌فرستاده است. البته علت صدور پنبه، نداشتن کارخانه برای تبدیل پنبه به پارچه و سایر مصنوعات بوده است. پنبه در قسمت‌هایی از کشور ایران کشت می‌شود، ولی قسمتی که بیش از سایر نقاط پنبه کاری دارد، مازندران است.

روسها چون احتیاج زیادی به پنبه داشته‌اند، بیشتر محصول ایران را صادر می‌کردند و در کارخانه‌های خود به پارچه تبدیل می‌نمودند.

نماینده تجارتهای فرانسه در تهران ضمن گزارش‌های خود به این مطلب اشاره کرده که در زیر نوشته می‌شود:

«روسها فعلاً ۹۵٪ از محصول پنبه ایران را صادر می‌کنند و محصول سالیانه پنبه در این موقع ۳۲/۰۰۰/۰۰۰ کیلوگرم است.»

«در سال ۱۸۳۶ روسیه فقط از آذربایجان مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ پوند یعنی تقریباً ۹/۰۰۰/۰۰۰ فرانک پنبه صادر کرده است.»^(۱)

روسیه برای صدور پنبه از ایران رقیب نداشت، زیرا حمل و نقل پنبه از راه خلیج فارس و سوریه به اروپا قابل استفاده نبود، چون روسها همسایه ایران بودند و با استفاده از راهپای دریایی و یا زمینی در اسرع وقت، محصول پنبه را صادر می‌کردند.

۲- برنج: برنج در ایالات ساحلی بحر خزر بخصوص در گیلان و مازندران کاشته می‌شود. زیرا غذای اصلی مردم این نواحی برنج است و مقدار برنج زائد بر احتیاجات اهالی را فقط روسها خریدار و طالب بودند. کشورهای دیگر احتیاج به این محصول نداشتند. البته روسها بیشتر محصول برنج گیلان را طالب بودند. و محصولات سایر قسمت‌ها را نمی‌پسندیدند. در این موقع زمین‌های برنج کاری گیلان، بالغ بر صد هزار هکتار بوده است.

ضمن گزارش های نمایندگان تجارتمی فرانسه در خصوص مقدار برنج صادره و قیمت فروش آن اشاره ای نشده و به نظر می رسد که روسها در آن موقع احتیاج زیادی به این محصول نداشتند و مقدار صادرات آن کم بوده است.

۳- ابریشم: ابریشم از متاع هایی است که ایران از دیر زمان آن را به اروپا می فرستاده است. در قرن شانزده و هفدهم این مال التجاره مورد توجه کشورهای بزرگ اروپایی بوده و برای به دست آوردن محصول ابریشم ایران، کشورهای پرتغال و انگلستان و هلند با یکدیگر رقابت می کرده اند. در زمان شاه عباس محصول ابریشم ایران سالیانه بیست هزار بقچه بوده، محصول گیلان هشت هزار بقچه، شیروان و خراسان هریک سه هزار بقچه، مازندران و قزلباغ دو هزار بقچه و بقیه از تبریز و سایر شهرستان های ایران به دست می آمده است. بهترین ابریشم، ابریشم گیلان که بسیار عالی و ظریف و مورد توجه اروپائیان بوده است و بخصوص هلندی ها و اسپانیایی ها زیاد طالب آن بوده اند. در این دوره ایران سالیانه ۴۰/۰۰۰ تومان ابریشم می فروخت. قسمت اعظم ابریشم از گیلان به دست می آمد و تقریباً ۰/۸ ابریشم ایران، محصول این ناحیه بوده است.

نماینده تجارتمی فرانسه در تفلیس ضمن گزارش های خود در خصوص احتیاجات روسیه و صادرات ابریشم مطالبی به شرح زیر نوشته است:

در روسیه سالیانه بالغ بر ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰ فرانک ابریشم تهیه می شود که تقریباً قسمت اعظم آن در خود روسیه و بقیه را از ابریشم گرجستان، گیلان و ایتالیا تهیه می نمایند.

«ایتالیا بر حسب فرانک ۴/۵۰۰/۰۰۰

گیلان بر حسب فرانک ۱/۵۰۰/۰۰۰

گرجستان بر حسب فرانک ۲/۰۰۰/۰۰۰^(۱)

۴- میوه: در ایران به علت وجود آب و هوای مختلف، همه گونه میوه به دست می آید به خصوص در نواحی خراسان و آذربایجان و اصفهان که میوه های مختلف به حد وفور وجود دارد. خریدار منحصر به فرد این میوه ها، روسها بوده اند و برای تهیه کنیاک و عرق، قیسی زیاد مورد توجه روسها بود و مقادیر زیادی از این میوه را از ایران خریداری می کردند.

۵- قالی و قالیچه: یکی از مهمترین صنایع دستی ایران، صنعت قالی بافی است و می توان این صنعت را در ردیف اول هنرهای عالم به شمار آورد. ایران از دیر زمان، به این صنعت آشنا بود و

سوابق زیادی در این فن دارد. قالی‌ها و قالیچه‌هایی که با دست‌های ظریف هنرمندان بافته می‌شود و نمونه بدیعی از صنایع دستی ایران به شمار می‌آید، باعث گردیده که جهانیان، ایران را بهتر بشناسند. آقای ژان پوزی رئیس اطاق تجارت ایران و فرانسه راجع به تمام هنرمندان ایرانی و بافندگان قالی چنین اظهار عقیده کرده است.

«از نظر من هیچ یک از کارگران و صنعت‌گران جهان مرتبه و مقام زنان و کودکان خردسالی را که در مقابل کارگاه چوبی خود، چندین ساعت نشسته و با انگشتان ظریف خویش با حرارتی خاص، گره بر پشم‌های رنگین درون نسوج پنبه‌ای می‌زنند ندارند.»

چون برای بافتن قالیچه، کارگران صبور و بردبار و زحمت کش لازم است. از ایام قدیم، قالی‌بافی جزو صنایع تجملی محسوب شده است و مورخان و نویسندگان یونانی همه این صنعت را معرف تحمل و مشرق زمین معرفی کرده‌اند.

از جمله مدارکی که مؤید قدمت این صنعت در ایران است، توصیف مورخ یونانی به نام آریان Arian از قالی‌های ارغوانی مقبره کوروش است.

در میان شهرهای ایران، تبریز از نظر قالی‌بافی پیشرفتهای بیشتری به دست آورده و علت آنهم این بوده است که از اواسط عصر مغول و در دوران حکومت ایلخانیان، آذربایجان بزرگترین مرکز فرهنگی و صنعتی و تجارتی گردید، چون این سرزمین سر راه کاروان‌های تجارتی قرار گرفته بود، تجار اروپایی در این ناحیه آمد و رفت داشته‌اند و به علت وجود خریداران زیاد، فرش‌بافی پیشرفت کرده است و امروز بسیاری از قالی‌های ذی‌قیمت که در موزه‌های اروپا و آمریکا وجود دارد، کار تبریز است. روسیه زیاد طالب و خریدار این متاع نبود، زیرا این صنعت در روسیه نیز رواج داشته و تا اندازه‌ای احتیاجات محلی را رفع می‌کرده و فقط مقدار کمی از قالی‌های ایران را خریدار بوده است. دولت روسیه بیشتر طالب مواد خام و محصولات غذایی ایران بود و سعی داشت در ازاء امتعه‌ای که وارد ایران می‌کرد، مواد غذایی برای مصرف مردم و مواد اولیه را برای به کار انداختن کارخانه‌های خود حمل کند.

عیشم: روسیه همیشه خریدار ثابت این مال التجاره بوده و ۹۰٪ پشم ایران به روسیه فرستاده می‌شد، چون مرغوبیت پشم ایران همیشه تجار خارجی را به خود جلب کرده است. به خصوص پشم گوسفند، که کرک بیشتری داشت، و روسها زیاد طالب آن بودند.

۷- پوست: در این دوره مشتری پوست نیز روسها بودند و در حدود ۶۵٪ پوست صادراتی ایران را خریداری و به صورت پوست خشک و نمک زده و پوست خام بره، به روسیه حمل می‌کردند.

۸- ماهی و خاویار: انواع ماهی بدون فلس که در ایران خریداری نداشت با قیمت خیلی کم به روسها فروخته می‌شد. چون خوردن ماهی‌هایی که فلس نداشته باشند حرام است. به این جهت یکی از صادرات ایران در این دوره، ماهی بدون فلس بوده است.

۹- دارو: روسیه مقداری از داروهای ایرانی را خریدار بوده است، به طوری که نماینده تجارتهی فرانسه در تفلیس گزارش داده است، داروهای زیر:

«کنجد، کرچک، پوشن (درمنه ترکی) سقز، خارخسک، جنینانای رومی، شیرین بیان، ریوند چینی، به روسیه صادر می‌شد و قیمت آن طبق گزارش فرانسه در سال ۱۸۳۴ مبلغ ۶۱۰/۰۰۰ فرانک بوده است.»^(۱)

۱۰- حیوانات زنده: دولت روسیه همه ساله برای رفع احتیاجات داخلی خود، اسب و گاو و گوسفند از ایران خریداری می‌کرد و سالیانه ۱/۵۰۰/۰۰۰ رأس گاو و گوسفند به روسیه حمل می‌نمود، که تعداد گوسفند بیشتر از گاو بوده است.

دیگر از صادرات ایران به روسیه، پارچه‌های ابریشمی، پارچه‌های پشمی، شالهای کرمان، پشم شتر، فرش، ترمه، و محمل کاشان بوده است. در گزارش نماینده تجارتهی فرانسه در تفلیس قیمت امتهای ایرانی دقیقاً ذکر شده در زیر قسمتی از گزارش نوشته می‌شود:

«مال‌التجاره‌هایی که از ایران به روسیه حمل می‌شود، عبارتند از: ابریشم گیلان، پارچه‌های بافت ایران، مثل ترمه، شالهای کرمان، پارچه‌های کتانی، فرش پشم شتر، دواجات مختلف. در سال ۱۸۳۵ صادرات ایران بالغ بر ۴/۶۸۸/۰۰۰ فرانک بوده است. ابریشم ۳۳۳/۰۰۰ فرانک، ترمه ۳۲۵/۰۰۰ فرانک، پارچه‌های کتانی ۳۶۹/۰۰۰ فرانک، شالهای کرمان ۴۶۴/۰۰۰ فرانک و محصولات دیگر.»^(۲)

واردات ایران

روس‌ها به عوض امتهای که از ایران صادر می‌کردند. مال‌التجاره‌های مورد نیاز ایران را از روسیه به ایران می‌آوردند. تجارت طرفین روز به روز توسعه پیدا می‌کرد، و تجار هر دو طرف منافع سرشاری از این راه به دست می‌آوردند.

۱ - بایگانی وزارت خارجه فرانسه، نامه‌های تجارتهی پرونده ۲، ۸۵

۲ - بایگانی وزارت خارجه فرانسه، نامه‌های تجارتهی پرونده ۲، ۸۵

در این دوره موفقیت‌های تجارتهای روسها در ایران خیلی زیاد بوده و باعث تحریک و عدم رضایت انگلیس‌ها شده است. شهرهای بزرگ شمال ایران مثل تبریز، مشهد، تهران، مرکز تجارت روسها گردیده بود و مال‌التجاره‌های آنها در بازارهای ایران به حد وفور به دست می‌آمد.

دولت روسیه در این دوره قند، پارچه‌های نخی، روغن‌های معدنی، شیشه آلات، چینی، کریستال، کبریت، چای، آهن آلات، اسباب خرازی و ماهوت به ایران می‌فرستاد.

نماینده تجارتهای فرانسه در تهران درباره واردات ایران چنین می‌نویسد:

مال‌التجاره‌هایی که روسها به ایران می‌فرستادند و مورد احتیاج نیز بوده انواع چیت، پارچه، دوا و جواهرآلات است. در گزارش نماینده تجارتهای فرانسه در تفلیس در این خصوص چنین نوشته شده است.

«نوع و قیمت مال‌التجاره‌های روسیه که وارد ایران می‌شود به شرح زیر است:

پارچه‌های ابریشمی گلداز زیبا، ماهوت، جواهرآلات، ادوات دواتگری، دواجات فرنگی، چیت و پارچه‌های ابریشمی گلداز ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ فرانک، دیبا ۵/۷۰۰/۰۰۰ فرانک، ماهوت ۳۵۰/۰۰۰ فرانک، جواهر و ادوات آهنی و مسی ۲۸۰/۰۰۰ فرانک که جمعاً بالغ بر ۱۶/۳۳۰/۰۰۰ فرانک می‌شود.^(۱)

روسیه بعد از عهدنامه ترکمن‌چای، در میان کشورهای دیگر که با ایران روابط تجارتهای داشتند، مقام اول را داشته و ۶۳٪ تجارت ایران، در این موقع به دست روسها بوده است.

روسیه با اجرای سیاست تجارتهای مخصوص و افزودن نرخ گمرکی بنادر روسیه، مانع از ورود مال‌التجاره‌های کشورهای دیگر به ایران می‌شدند و علاوه بر این اشکالاتی برای تجار خارجی فراهم می‌کردند، تا آنها مجبور شوند از تجارت با ایران صرف‌نظر نمایند. از طرف دیگر دولت روسیه می‌توانست یا استفاده از کشتی‌های خود به راحتی مال‌التجاره‌های خود را به مرز ایران و از آنجا با استفاده از سرویس‌های منظم، امتعه روسی را به مراکز مهم تجارت آن روز که مشهد و تبریز بود، برساند. در صورتی که این تسهیلات برای سایر ملل فراهم نبود و به همین جهت سایر کشورها نمی‌توانستند با دولت روسیه در این امر رقابت نمایند. پس می‌توان پیشرفت تجارت روسیه را در ایران معلول علل زیر دانست.

۱- یکی از علل پیشرفت روسیه در مسئله تجارت نزدیکی و همسایگی با ایران بوده، زیرا روابط

تجارتی بدون هیچگونه مانعی برقرار می شده است.

۲- سرویس های مرتب و منظم کشتیرانی روسیه در بحر خزر، شهرهای بزرگ و مهم ایران را که مراکز تجارتی آن روز بود، با روسیه مربوط می کرده است.

۳- ممانعت دولت روسیه از عبور مال التجاره های کشورهای دیگر که مقصد آنها دولت ایران و همچنین جلوگیری از عبور مال التجاره های ایران از قفقاز که مقصد آنها کشورهای اروپا بوده است.

۴- دولت روسیه به اکثر امتعه ایران احتیاج داشت و در عوض، لوازم مورد احتیاج ایران را تامین می کرد. در حالی که کشورهای دیگر اروپایی به خصوص انگلستان که رقیب دولت روسیه بود، فقط به قسمتی از مال التجاره های ایران احتیاج داشت، و تنها منظورش از توسعه روابط تجارتی این بود که امتعه خود را در بازارهای ایران به فروش برساند.

به عللی که در بالا ذکر شد، تجارت روسیه در ایران بسیار ترقی کرد و دولت انگلستان و سایر کشورهای که به تجارت ایران نظر داشتند، از این وضع ناراضی شدند و در پی فرصت بودند که رقیب خود را از میدان بدرکنند.

نماینده تجارتی فرانسه در تفلیس ضمن گزارشی که برای وزارت خارجه فرانسه فرستاده اشاره کرده است که، دولت روسیه برای جلوگیری از توسعه تجارت فرانسوی ها و سایر کشورها، نرخ گمرک بندر «ردوت کاله» را خیلی زیاد ترقی داده و شرایط سخت و غیر قابل قبولی برای مال التجاره های اروپایی قائل گردیده است.

«در این سال سیستم گمرکی جدید وضع شده که باعث از بین رفتن قسمت بزرگی از تجارت گرجستان با خارج گردیده و با بستن راه عبور از بندر «ردوت کاله» منظور نهایی دولت روسیه این است، که باعث قطع تجارت ایران با فرانسه و انگلستان گردد و تجارت ایران را منحصر به خود سازد و دیگران را در منافع حاصله شریک نکند.»^(۱)

راههای مهم تجارتی که ایران را به کشورهای اروپایی متصل می ساخت عبارت بودند از راههایی که از کشور روسیه عبور می کرد.

۱- راه طرابوزان، تبریز، تهران، خیلی طویل و علاوه بر این خیلی سخت و ناراحت کننده بود و حمل مال التجاره به وسیله قاطر نیز برای تجار رضایت بخش نبوده است.

۲- راه خلیج فارس یعنی راه بوشهر، شیراز، اصفهان، تهران هم خیلی طویل و سخت بوده و

حمل مال التجاره از این راه گران تمام می شده است.

۳- راه بغداد، کرمانشاه، تهران، این راه نیز دارای نواقص جاده‌های مذکور بوده است.

راههای مهم تجارتي که قابل استفاده و اشکالات کمتری داشته عبارت بوده است از:

۱- راه باطوم (دریای سیاه) تفلیس، ایروان، تبریز، تهران.

۲- باکو (دریای خزر) بندر انزلی، رشت، تهران

۳- گراسنودسک، عشق آباد، مشهد.

همانطور که در فوق ذکر شد، کوه‌تترین و راحت‌ترین جاده‌های تجارتي شمال در دست روسها بوده است و این دولت برای این که بهتر بتواند از موقعیت خود استفاده کند قسمتی از راههای داخلی ایران را به خصوص راههایی که از دریای خزر و سرحدات روسیه به تهران متصل می شد تعمیر و تسطیح کرد.

با ذکر مطالب فوق روشن گردید که چگونه روسها توانستند در امر تجارت مقام اول را به دست آورند و رقبای خود را از میدان خارج کنند.

چون ایران بین روسیه و متصرفات انگلستان واقع شده بود، خواه ناخواه بین دو دولت رقابت‌هایی به وجود می آمد و هرکدام برای شکست رقیب خود در فعالیت بودند. ولی انگلستان از اقدامات خود نتیجه‌ای به دست نیاورد و هر قدر کوشش کرد نتوانست وضع تجارتي روسها را در ایران متزلزل نماید. زیرا دولت روسیه در حدود مقداری که به ایران مال التجاره می فروخت، به همان اندازه مال التجاره خریداری می کرد. یعنی بین این دو دولت موازنه تجارتي برقرار بود، در صورتیکه این موازنه در مورد تجارت با انگلستان وجود نداشت. بیشتر مال التجاره‌های ایران مورد احتیاج دولت انگلستان نبود و فقط این دولت می خواست امتعه خود را در بازارهای ایران به فروش رساند. البته صرفه و صلاح دولت ایران در این بود که متوجه همسایه شمالی خود شود و در مقابل اجناسی که وارد می شود به همان اندازه امتعه ایرانی به روسیه بفرستد.

روابط نزدیک و دوستانه ایران و روسیه بعد از معاهده ترکمن چای باعث تشویش و نگرانی انگلیسی ها شد، زیرا می دانستند که این ارتباط صمیمانه روزی به ضرر آنها تمام و هندوستان مورد مخاطره واقع خواهد گردید.

انگلیسی ها مایل نبودند، دولت مقتدری در همسایگی هندوستان وجود داشته باشد، بنابراین همیشه وسائل تضعیف ایران را فراهم می کردند. گاهی روسها را بر می انگیزختند که کشور ما را مورد حمله قرار دهند و گاه به وسائل دیگر متشبث می شدند، که ایران را مشغول و سرگرم و در نتیجه

ضعیف نمایند، فتنه اسماعیلیه، اغتشاش امراء خراسان از این عوامل مشغول کننده بوده است. درباره تجارت ایران در این دوره نمایندگان خارجی مطالبی نوشته‌اند که از لحاظ اقتصادی و سیاسی قابل توجه است و نظرات انگلستان و روسیه را درباره تجارت شرق مشخص می‌کند. در زمان فتحعلیشاه ایران به علت نزدیکی به روسیه و از طرف دیگر به دلیل مجاورت با هندوستان مورد توجه محافل سیاسی بوده است و این موضوع تمام مسائل مملکتی از جمله تجارت را تحت تأثیر قرار داده و تحولاتی در امر تجارت و بازرگانی به وجود آورده است. اولیویه G.A. Olivie می‌نویسد که فزویین مرکز تجارت ابریشم گیلان و شیروان مرکز تجارت کالاهای ایران و بغداد است.

اسکات وارینگ Escott Waring می‌نویسد که یزد برای تجارت مرکز بزرگی به شمار می‌رود، پارچه‌های خشن به یزد آورده و به ازبکها، خراسانیها فروخته می‌شود و بازرگانان هنگام مراجعت از یزد، ابریشم، قالی، نمد و شالهای کشمیری می‌برند.

جیمز بیلی فریزر J.B. Freaser می‌نویسد که کاروانهایی از کابل، کشمیر، بخارا، هرات، مشهد و کرمان به یزد وارد می‌شوند و با بازرگانانی که از اصفهان و شیراز و خراسان آمده‌اند به معاملات بازرگانی می‌پردازند.

در سال ۱۸۰۷ (م) سِر هارفورد جونز Sir. Harford Jones به عنوان نماینده سیاسی انگلستان به ایران آمد به او برای توسعه تجارت انگلیس با ایران دستوراتی داده بودند:

«برای ما بسیار رضایت بخش خواهد بود اگر شما طی اقامت در ایران بتوانید وسایلی برای فروش تولیدات انگلیسی به مقیاس بسیار وسیعی پیدا کنید و بتوانید روابط تجاری و مبادلات بین ایران و هند را توسعه دهید، توصیه می‌کنیم به ویژه تا آنجا که امکان دارد در مورد موقعیت تجاری ایران، محصولات آن، واردات و صادرات و به ویژه امکان افزایش مصرف کالاهای اروپایی از قبیل کالاهای پشمی، فلزات، چینی آلات و غیره در آنجا تحقیق کنید.»

ماژارویچ نماینده روسیه به حضور فتحعلیشاه رسید و گفت به دستور دولت روسیه باید کنسولی در رشت برای مسائل تجارتی اقامت‌گزینند و در خصوص بنادر سواحل جنوبی دریای خزر اختیاراتی از لحاظ تجارت به وی داده شود، فتحعلیشاه با پیشنهاد او مخالفت کرد.

«سفیر روسیه نوشته است که تسلط روسیه بر خلیج روسیه را بر تمام منابع آسیا مسلط خواهد کرد و آنجا مرکز تمام تجارت آسیا خواهد شد و نفوذ بازرگانی عظیم انگلیس‌ها را در مرکز هند متزلزل خواهد ساخت»

کمپل Camphel ضمن گزارش خود نوشته است که چنانچه روسیه موفق به برقراری برتری خود در ایران گردد با جلوگیری از ورود کالاهای بریتانیا به ایران، خواهد توانست ضربه مهلکی بر تجارت بریتانیا وارد سازد.

خطر پیشرفت روسیه در مناطق بین دریای خزر و دریاچه آرال و در امتداد رود سیحون، موجب نگرانی انگلیس‌ها شد و این مسئله که چگونه می‌توان با نفوذ روسیه در ایران و آسیای مرکزی مقابله کرد، مورد توجه قرار گرفت.

در سال ۱۸۴۱ قرارداد بازرگانی بین ایران و انگلیس به امضاء رسید طبق این قرارداد تجار هر دو کشور اجازه یافتند که به تجارت به پردازند و همچنین به نمایندگان تجاری اجازه اقامت در شهرهای تعیین شده داده شد. از جمله از طرف انگلیس یک نفر در پایتخت و یک نفر در تبریز اقامت می‌کرد. فریزر میزان صادرات یک ساله ایران را طبق گزارش‌های رسمی بالغ بر یک میلیون و دویست و بیست و پنج هزار پوند نوشته است:

۳۰۵۰۰۰ پوند	صادرات به هند از راه بوشهر
۲۵۰۰۰۰ پوند	صادرات از گیلان و مازندران
۱۰۰۰۰ پوند	صادرات از بندر خلیج فارس
۲۰۰۰۰۰ پوند	تجارت با بغداد
۲۰۰۰۰۰ پوند	تجارت با سایر نواحی ترکیه
۲۰۰۰۰۰ پوند	تجارت با تفلیس و گرجستان
۵۰۰۰۰ پوند	صادرات به بخارا و مناطق شرقی
۱۰۰۰۰ پوند	تجارت با عربستان
۱۲۲۵۰۰۰ پوند	جمع

سرگوراوزلی Sir. Goreouseley به جای سرهارفورد جونز به ایران آمد که یکی از وظایف او انعقاد یک قرارداد تجارتمی بود در این باره دستوراتی هم به او داده شده بود:

«نظر به اینکه در نتیجه یک قرارداد بازرگانی که بین ما و شاه ایران منعقد می‌شود، تعدادی از اتباع ما می‌توانند در ایران مقیم شوند، مقتضی است که شما بلافاصله از شهرهای مهم و شهرهایی که در آنها ایجاد کارخانه‌ها، مؤسسات تجاری دیگر بیشتر به صلاح ماست اطلاعاتی به دست آورید

و مامورین و کنسولها و یا نمایندگانی برای حفظ نظم در بین بازرگانان، و برای حفظ امتیازاتی که به آنان واگذار خواهد شد، منصوب کنید و ترتیب کار به گونه‌ای فراهم آورید که منجر به پیشرفت بازرگانی و برقراری امنیت در بین اتباع ما گردد.»^(۱)

الیویه Olivie می‌نویسد که بین ایران و ترکیه مبادلات تجاری صورت می‌گیرد و بیشتر ادویه، دارو، صمغ، و پوست بره، تنباکو مازو و شال، شتر و اسب مبادله می‌شود.

بنا به گزارش ژوبر M. Jaber که جزو همراهان ژنرال گاردان بود، درباره واردات ایران می‌نویسد: «از بنگال و کرماندل پارچه‌های آبی و سفید، پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای مِشمش، شکر، نیل، زنجبیل، گل گاجیره، چوب صندل، چوب عود، حسن لبه، لاک الکلی، قلع، سرب، آهن، چینی آلات، چای، از چین، پارچه از اروپا، الماس، از دکن یاقوت قرمز و زرد و کبود، از سواحل مالابار، هل، فلفل، چوب ساج و خیزران برای نیزه از سورات، منسوجات زرین و سیمین مِشمش برای عمامه، نیل، فولاد برای شمشیر از سیلان، جوز هندی، دارچین، میخک و قهوه از جاوه و از یمن و عربستان جنوبی، قهوه، خرما از نواحی ساحلی خلیج فارس برده سیاه و عاج، از بحرین مروارید از ترکستان و کشمیر شال و نمده.»

فریزر می‌نویسد که چیت‌ها و پارچه‌های پنبه‌ای نقش‌داری که از هند به ایران می‌آورند تا حد زیادی جایش را به منسوجات انگلیسی و فرانسوی داده است که از راه بنادر کرانه خاوری مدیترانه و از هند وارد می‌شود.

در دوره فتح‌علیشاه در اصفهان در حدود ۱۲۰۰۰۰ کارگاه بافندگی برای منسوجات ابریشمی وجود داشته ولی در نتیجه افزایش واردات اروپایی فقط تعدادی از این کارگاهها باقیمانده است. در سال ۱۸۳۶ م مقدار زیادی اجناس اروپایی از راه اسلامبول به تبریز وارد شد که باعث ارزان شدن قیمت کالا در ایران نسبت به اسلامبول گردید و در نتیجه بسیاری از تجار ایرانی که از اسلامبول جنس خریده بودند ورشکست شدند.

فرش، خز، یاقوت قرمز، فیروزه، سنگ لاجورد، پنبه نسوز، ریواس، از چین و تبت، تخم درمنه، پوست بره از بخارا، پر حواصیل از روسیه خاوریار پوست لباسی، پارچه، قرمزدانه، جواهرات و سکه‌های مسی

صادرات به هند مس، شراب شیراز، خرما، آنقوزه، گلاب، حنا، طلا، نقره، ابریشم خام، پشم،